

آرمان ملی: ترامپ در شرایطی روز ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ به کاخ سفید بازگشت که جهان یک دوره ۴ ساله دوران پر از تنش و خودشیفتگی او در عرصه بین‌المللی را تجربه کرده بود و این بار حتی اروپایی‌ها نیز در برابر گفتمان به شدت یک سویه او کمربندها را محکم بسته بودند. البته که حضور او در همین روزهای نخست نه فقط برای ایران با تنش همراه شد بلکه گریبانگیر کشورهای اروپایی همچون دانمارک و همچنین کانادا، چین، مکزیک، پاناما و بسیاری از دیگر کشورها نیز شده است، اما مساله مذاکره یا گفت‌وگو با غرب و آمریکا در تهران نیز به چالشی جدی تبدیل شده است، چالشی که به نظر می‌رسد هر چقدر هم تلاش کنیم از گفت‌وگو بپرهیزیم، اما با توجه به روندی که حتی حماس برای گفت‌وگو با آمریکا پیش گرفته است در نهایت یک گزینه روی میز برای ایران نیز هست، اما در این بین باید توجه داشت که به دلیل مواضع ترامپ در رابطه با جنگ تجاری با چین، کانادا و مکزیک، تصاحب گرینلند، کاهش کمک به ناتو، تغییر رویکرد به اوکراین، مواضع ضد بشری تمام عیار در مورد کوچ اجباری مردم غزه و تبدیل این منطقه به یک ساحل تفریحی تحت اداره آمریکا، کشورهای اروپایی و عرب و همچنین چین نیز بدل خوشی از دولت ترامپ ندارند. در این شرایط، اما همین کشورها نیز راه گفت‌وگو را نمی‌بندند کما اینکه برای ایران نیز فرصت بسیار مناسبی فراهم شده است تا از طریق همکاری با این کشورها وضعیت خود در زمین بازی‌های جهانی را بهبود ببخشد، اما سوال هم چنان این است که آیا آمریکای ترامپ اساساً قابل‌گفت‌وگو است؟

تلفیق فشار و مذاکره

یک تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا و کارشناس حوزه سیاست خارجی در همین باره و البته با اشاره به مناسبات کنونی میان تهران و واشنگتن و مساله مذاکره با ایالات متحده اظهار داشت: از ابتدا هم مشخص بود که ترامپ در دور جدید ریاست جمهوری خود با تلفیقی از سیاست فشار و مذاکره جلو خواهد آمد. البته در اینکه در شرایط کنونی منطقه‌ای، ترامپ بخواهد فشار حداکثری خود را کنار بگذارد، دور از ذهن بود، اما مساله این بود که شکل این فشار حداکثری به چه شکلی خواهد بود. رحمان قهرمان پور گفت: برخی پیشنهاد می‌کردند که ترامپ در ابتدا، پیشنهاد مذاکره خواهد داد و برخی نیز می‌گفتند که ترامپ از ابتدا سیاست فشار حداکثری را در دستور کار قرار خواهد داد. با این دستورالعمل اخیر، او در واقع سعی کرد که به قول معروف، حد وسط را رعایت کرد. به عبارتی، او نه دستورالعمل اجرایی صادر کرده که حکم قانون را داشته باشد و نه از سوی دیگر به صورت کامل از فشار حداکثری صرف‌نظر کرد.

کابینه دوسویه

این کارشناس سیاسی ادامه داد: این سیاست به پوشش‌های داخلی دولت ترامپ برمی‌گردد. در کابینه او، گروه‌هایی نظیر مارکو روبیو، تند بوده و گروه‌هایی مثل ایلان ماسک، خواستار تعامل هستند و در عین حال، گروه‌هایی نظیر دیوید ونس تا حدی، علاقه‌ای به سیاست خارجی ندارند. این‌الگو، البته تنها در مورد ایران هم نبوده و در مورد مکزیک و ماجرای اعمال تعرفه‌ها، نسبت به این کشور نیز از همین سیاست پیروی می‌کند. به نظر می‌رسد که مذاکره با آمریکا از دستور کار تهران خارج نشده اما، ایران می‌خواهد، تصور واشنگتن، مبنی بر ضعیف شدن ایران و رغبت آن نسبت به مذاکره و امتیاز دادن را تغییر دهد. مساله‌ای که شاید در این بین مؤثر بوده، این است که برخی در ایران فکر می‌کردند که ترامپ، خیلی به توافق با تهران احتیاج دارد و خیلی در مقابل ماکوتاه خواهد آمد. نگاهی که از ابتدا هم با هر پیش‌فرضی - خواه اینکه ترامپ در خاورمیانه به ایران نیاز دارد و خواه اینکه ترامپ، دلال و اهل معامله است - واقع بیبانه نبود. وقتی ترامپ، این دستورالعمل را صادر و آن فکت شیت را منتشر کرد، خیلی‌ها جا خوردند.

رویکرد سیاستمداران

این کارشناس بین‌الملل درباره رویکرد تازه تهران درباره مذاکره نیز عنوان کرد: به نظر می‌رسد که مجموعه پوشش‌های سیاسی در تهران، سیستم را به این جمع‌بندی رسانده که خب! ما باید در مقابل ترامپ تا حدی سخت‌گیری کنیم تا او فکر نکند که در هر شرایطی آماده مذاکره و توافق هستیم. احتمالاً گام بعدی این خواهد بود که طراحی بشود که مذاکره به چه شکلی طراحی شود که منافع ایران نیز در آن تأمین شود. به نظر من، مذاکره بین تهران و واشنگتن، منتفی نیست. وی تصریح می‌کند: یکی از ضعف‌های جدی نظام سیاسی و اداری ما این است که افراد، بدون هماهنگی، نظراتی را بیان می‌کنند که بعداً، خودشان منکر آن می‌شوند. این، ویژگی رقابت‌های درون سیستم نظام سیاسی است که افراد، هر فرصتی را برای تقویت موقعیت خود در سیستم غنیمت می‌بینند، اما برآیند این کار، باعث می‌شود که در خیر عمومی و منافع ملی، نظام آسیب ببیند.

«آرمان ملی» در گفت‌وگو با بیژن عبدالکریمی ارتباط دولت و ملت را بررسی می‌کند

شکاف دولت و ملت

بحثی روانشناختی است



الزام گفت‌مان انقلابی بر توجه به شکاف دولت و ملت



آرمان ملی- سی‌اوش پورعلی: دولت‌هایکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند ولی شکاف بین دولت و ملت نه تنها در ادوار اخیر کاهش پیدا نکرده است بلکه با فشارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی شاهد افزایش این فاصله هستیم. دولت‌ها در ابتدای شروع به‌کار با شعارهایی روی کار می‌آیند که یا عملی نیست و یا اینکه چالش‌ها و موانع بسیاری در پیش دارد مانند وعده‌هایی که دولت چهاردهم در کارزارهای انتخاباتی مطرح کرد ولی هنوز محقق شدن همان وعده‌ها فاصله زیادی باقی مانده است. عدم تحقق وعده‌ها خود عاملی است که در ادوار اخیر باعث افزایش فاصله آنچه دولت و مردم نام دارد شده است. هر شکافی که رخ می‌دهد ریشه در جایی دارد، دولت‌های سنتی برای بهبود وضعیت جامعه‌های مدرن همواره با چالش‌هایی روبه‌رو هستند و برای کمتر کردن هزینه‌های حاکمیتی همچنان بر گفتمان‌های سنتی تاکید

دارند ولی نه‌تنها آموزه‌های دینی بر حضور و مشارکت شهروندان در سیستم‌های حاکمیتی تاکید دارند و به‌نوعی آزارش‌های جوامع اسلامی محسوب می‌شود، بلکه علوم جامعه‌شناختی جدید هم بر این موضوع تاکید دارند که مشارکت شهروندان در امور حکمرانی می‌تواند بسیاری از موانع داخلی و خارجی را از پیش پای حاکمیت بردارد. در این مورد با یکی از صاحب‌نظران گفت‌وگو کردیم. بیژن عبدالکریمی، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال در این مورد معتقد است گفتمان انقلابی که در بدنه حاکمیت حضور دارند هنوز آنچنان که باید به مفهوم واقعی از دولت- ملت نرسیده‌اند و این سوژه در ایران ناقص اجرایی شده است. او همچنین معتقد است آن طیفی که باید گرایش‌های ضداستعماری را ترجمه کنند از چرخه‌های اجتماعی حذف شده‌اند. در ادامه این گفت‌وگو را می‌خوانید.

چرا در جامعه‌ای مانند ایران باتوجه به همبستگی‌هایی که وجود دارد ولی اختلافاتی بین طیف‌های مختلف در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به وجود آمده است و این اختلاف‌ها چه تاثیری بر روابط حاکمیت و مردم دارد؟

وقتی از مردم یک جامعه صحبت می‌کنیم، ابتدا باید بدانیم که مردم یا همان ملت نمی‌توانند یکپارچه باشند و یک نگاه به مسائل داخلی و خارجی داشته باشند، به همین دلیل است که همواره شاهد اختلافاتی در این روابط بوده‌ایم. تحولات جامعه ایران و فراز و نشیب‌هایش نشان می‌دهد که با یک «مردم» متکثر روبه‌رو هستیم. به همین دلیل است که باید بپذیریم در سیاست خارجه و آنچه دیپلماسی نام دارد ممکن است بخشی از مردم خواهان رابطه با همه کشورهای جهان باشد و همچنین به دنبال تعامل بیشتر با دنیا باشند. باز هم باید بر این نکته تاکید کنم که این شامل همه مردم نمی‌شود. حالا به آن سوی جامعه اشاره می‌کنیم که نگاه متفاوتی دارند. در مقابل طیفی هم هستند که همچنان به گفتمان انقلابی وفادارند و با تاکید بر مقاومت به شعارهای انقلابی اهمیت می‌دهند و به روابط محدود با جهان اعتقاد دارند و آنچه توافق با آمریکانام دارد را خط قرمز خود می‌دانند. البته سنجش اقلیت و اکثریت در این بین موضوع دیگری است.

ریشه این اختلاف‌ها و جدایی‌هایی که در جامعه مشاهده می‌کنیم و در برخی از مواقع هم شاهد بروز چالش‌هایی می‌شویم را در چه می‌دانید؟

مساله اصلی این روزها این است که ما هنوز شاهد پدیداری دولت- ملت مدرن در ایران نیستیم و آنچه مشاهده می‌کنیم دولت- ملتی است که به‌نحوه ناقصی شکل گرفته است. انتقادهای زیادی هم در این حوزه مطرح است که می‌توانیم بگوییم هنوز دولت- ملت مدرن شکل نگرفته است و باعث چالش‌هایی بین مردم و دولت شده است. همین عدم اجرایی شدن صحیح دولت- ملت باعث شکل‌گیری شکافی شده است که ریشه بسیاری از چالش‌های جامعه محسوب می‌شود. اگر کمی به عقب بازگردیم و تحولات سال‌های منتهی به ۵۷ را مرور کنیم، ابتدا باید بگوییم شعارهایی در آن سال‌ها سرمی‌دادند به این معنی بود که سررشته این انقلاب، طبقات پایین دستی جامعه بودند و نه یک انقلاب بورژوازی با حضور اقلتر سرمایه‌دار بالای شهرنشین جامعه. بنابراین سوژه‌ها و طرح‌های مدرن در نظام دولتی کشوری مانند ایران با کندی ادامه و اجرایی خواهد شد.

این موردی که اشاره کردید چه ارتباطی می‌تواند با افزایش فاصله بین ملت و دولت داشته باشد؟

شکافی که وجود دارد در واقع به همان تفاوت دیدگاه‌ها

شکاف به وجود آمده به نوبه خود باعث سیاست‌های سخت‌گیرانه، حذفی، اخراج گسترده نیروهای کارآمد شده و رسانه ملی ناکارآمد هم باعث می‌شود مردم از گفتمان انقلابی جدا شوند

ارتباط دارد که در حوزه گفتمان انقلابی به آن اشاره کردیم. در واقع شاهد حضور یک تیم تبلیغاتی هستیم که متاسفانه برخی از روشنفکران و چهره‌های مشهور، فضایی را شکل داده‌اند تا بتوانند به نفع غرب و برعلیه منافع ملی حرکت کنند. باتوجه به چالش‌های اقتصادی و کاهش قدرت خرید شهروندان باید بگوییم که به هر حال فشار در کشور زیاد است و حالا دیگر کسی منکر این موضوع نیست و از سویی تبلیغات هم در این موارد در حال پررنگ شدن است.

پس این تنها تصمیمات نظام حکمرانی نیست که بر شکاف دولت- ملت تاثیر دارد. باتوجه به تلاش‌های دولت کنونی چرا مجموعه حاکمیت هنوز نتوانسته پروژه دولت- ملت را به سرانجام برساند؟

دلیل اینکه بین علاقه‌مندی مردم با آنچه دولت می‌خواهد فاصله وجود دارد به همان علل شکاف دولت- ملت بازمی‌گردد. در اینجا باید به این موضوع اشاره کنیم که جمهوری اسلامی بعد از استقرار در سال ۵۷ همواره درگیر حاشیه‌ها و چالش‌های سختی مانند جنگ، تورر، تحرکات مسلحانه و تحریم‌ها علیه کشور بود. همچنین باید توجه داشت که گفتمان انقلابی هنوز نتوانسته جایگاه مردم را

انقلاب اسلامی یک انقلاب توده‌ای بود چون با آرمان‌های محروم‌زدایی خود را معرفی کرد. شعارهایی که در آن سال‌ها سر می‌دادند به این معنی بود که سررشته این انقلاب، طبقات پایین دستی جامعه بودند

انقلاب اسلامی یک انقلاب توده‌ای بود چون با آرمان‌های محروم‌زدایی خود را معرفی کرد. شعارهایی که در آن سال‌ها سر می‌دادند به این معنی بود که سررشته این انقلاب، طبقات پایین دستی جامعه بودند

به خوبی در سیستم دولت- ملت تعریف کند و به تاثیرات

مثبت آن اهمیت بدهد. همچنین نیروهای واسطه که بتوانند مترجم‌های گرایش‌های ضداستعماری حاکمیت باشند، به کلی حذف شده‌اند. همچنین روشنفکران، نخبگان و دانشگاهی‌هایی که می‌توانستند در جایگاه نیروهای واسطه باشند و به‌نوعی بتوانند باعث ارتقای آگاهی جامعه به آنچه در جهان می‌گذرد شوند اساساً نادیده گرفته شده و به‌نوعی طرد شده هستند. شکاف به وجود آمده به نوبه خود باعث سیاست‌های سخت‌گیرانه، حذفی، اخراج گسترده نیروهای کارآمد شده و باعث می‌شود مردم از گفتمان انقلابی جدا شوند و بین مطلوب مردم با مطلوب حاکمیت فاصله وجود داشته باشد.

آیا با وعده‌هایی که مسئولان دولتی به شهروندان می‌دهند می‌توانیم شاهد کاهش فاصله‌ها باشیم؟

واقعیت چیزی جز این نیست که اختلاف عقیده مردم و مسئولان در همه جا وجود دارد ولی در این مورد فاصله‌ها می‌تواند مختلف باشد. اکنون مشاهده می‌کنیم که نوعی شکاف بین بخش‌هایی از جامعه، به خصوص حضور نسل‌های جوان در نقش مطالبه‌گر، موجب شده که دائماً نسبت به موضوعات مختلف اعتراض‌هایی شکل می‌دهند، پدیده‌ای که به سیاه‌نمایی هم تعبیر می‌شود. وجوه کارآمد دولت و حتی جانبازی‌هایی که صورت گرفته، اکنون به چشم نمی‌آید و مشاهده نمی‌شود که این آسیب حاصل از همان ساخت- دولت است. این در حالی است که باتوجه به وعده‌هایی در مورد بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... می‌دهند ولی می‌توانیم بگوییم هنوز تغییری در فاصله مطرح شده مشاهده نمی‌شود.

سوال دیگر اینکه نظام حکمرانی چرا باید به اختلاف سلیقه بین مردم و دولت‌ها حساس باشد؟

پاسخ قطعاً این است که نظام حکمرانی باید به طور جدی درباره این مساله تدبیری داشته باشد تا فاصله‌ها افزایش پیدا نکند. اختلاف سلیقه‌هایی که در جامعه وجود دارد اما بحثی روانشناختی است. با این تعریف باید بگوییم که در واقع بحث بر سر اختلاف سلیقه‌ها نیست بلکه بحث بر سر تعارضی است که میان دو جهان بینی وجود دارد. «زیست جهان سوژه مدرن نوگرا» با «زیست جهان و عالم سنتی وفادار» بسیار تفاوت دارد و باید بگوییم دو فصل مختلف هستند. همچنین باید توجه داشته باشیم، مفاهیم نوگرا و سنتی مفاهیم طیفی هستند که در میان افشار خاکستری هم حضور پررنگی دارند. به هر حال همه اینها به همان شکاف گفته شده برمی‌گردد که مهم‌ترین مساله جامعه ما به شمار می‌رود. به دولت‌مدران باید تذکر داد که اگر به این مساله مهم توجه نکنند و نسبت به آن بی‌تفاوت باشند، موضوع به یک بحران بزرگ تبدیل خواهد شد.

جواد نیک‌بین:

امضایم برای استیضاح همتی را پس گرفتیم

حالی اتفاق می‌افتاد که خیرنگران بی‌استثنا معتقد بوده و هستند که شرایط اقتصادی، ربطی به عملکرد همتی نداشته است. در همین راستا یکی از نماینده‌ها به روشنی اظهار کرد که کنار گذاشتن همتی کمکی به اقتصاد نمی‌کند. در سوی دیگر عبدالناصر همتی که برای شرکت در کنفرانس سالانه چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی اقتصادهای نوظهور به عربستان سفر کرده با عبدالحمید الخلیفه رئیس صندوق اوپک دیدار و گفت‌وگو کرد. همتی گفت: توافقات خوبی با رئیس صندوق اوپک انجام شد تا از منابع مالی که برای کشورها تأمین می‌کنند، پیمانکاران ایرانی و کسانی که خدمات فنی و مهندسی ارائه می‌کنند بتوانند استفاده کنند.

پس گرفتن امضا

جواد نیک بین، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی

خبرگزاری برنا با بیان اینکه امضایم را از طرح استیضاح وزیر اقتصاد پس گرفته‌ام، گفت: بنده دو یا سه جلسه با آقای همتی و مجموعه وزارت داشتم و صحبت‌های وی را شنیدم و معتقدم با استیضاح اتفاق خاصی در حوزه اقتصادی کشور نمی‌افتد. استیضاح جز گفتار درمانی پیام دیگری برای جامعه ندارد. وی اظهار کرد: استیضاح هر نوع تغییری در دولت باعث تنش بیشتر در کشور و گران‌تر شدن کالاها و ارز می‌شود. نیک بین با تاکید بر ضرورت تقویت وفای بین مجلس و دولت، گفت: قطعاً اگر مجلس ودولت وفای داشته باشند حرکت به سمت قله بهتر خواهد بود. با طرح مسائلی چون استیضاح مشکلی حل نخواهد شد. وی خاطر نشان کرد، ما باید اجازه دهیم که دولت تلاش خود را برای حل مشکلات کشور انجام دهد و زمان پنج ماه برای ارزیابی فعالیت دولت زود است.

دره‌بین

**استراتژی رسانه‌های تندروها
صداوسیما پایداریزه؟**

اینکه صداوسیما سال‌هاست به پایگاهی برای عرض اندام یک گروه سیاسی تبدیل شده حرف تازه‌ای نیست و تجربه نشان داده که مدیریت مجموعه در روش آن تغییر چندانی به وجود نمی‌آورد و تریبون دادن به تندروها از جمله اتفاقات مکرر است. با این حال حضور یک فرد در کنار جلیلی همواره این شائبه را پررنگ‌تر می‌کند که صداوسیما در نقش روابط عمومی و ارگان گروه‌های سیاسی خاص ظاهر می‌شود. این فرد کسی نیست جز وحید جلیلی، برادر سعید جلیلی که نگاه او به پرونده‌های مرتبط با سیاست خارجی مثل روزروشن بر کسی پوشیده نیست.

دو برادر در صداوسیما

فقط به خاطر برادر بودن نیست که هر دو جلیلی با یک مرام دیده می‌شوند. چه بسا افراد بسیار زیادی که در عالم سیاست مسیر سیاسی آن‌ها از پدر و فرزند هم متفاوت بوده است. اما وحید جلیلی انگار رونوشتی از سعید در صداوسیماست. با این تفاوت که سعید جلیلی به خاطر عضویت خود در شورای عالی امنیت ملی سعی می‌کند نشان دهد که به گروه سیاسی خاصی تعلق ندارد و در ظاهر خود را ورای گروه‌ها قرار دهد، در حالی که اعمال و رفتار گروه‌های تندرو مثل جبهه پایداری از تفکرات او تغذیه می‌شود.

تقلیل انقلاب؟

با نگاهی به قاب صداوسیما در روزهای اخیر می‌توان متوجه شد که این سازمان تبدیل به تریبون یک جریان خاص شده است. صداوسیما با وجود آنکه در مناسبت‌های خاص، مردم را به حضور گسترده در صحنه‌ها دعوت می‌کند، نه فقط در روزهای عادی بلکه در همین مناسبت‌ها عملی متضاد این دعوت نشان می‌دهد. ۲۲ بهمن به عنوان سالروز پیروزی انقلاب اسلامی یکی از همین روزهای مهم سیاسی در تقویم بود که پایداریچی‌ها حضور پرشوری در تریبون‌های صداوسیما داشتند، رفتاری که علاوه بر حذف دیگر نگاه‌های سیاسی، قابل تعبیر به فروکاستن تاریخ انقلاب اسلامی به طیف نوظهور پایداری است. با وجود آنکه مخاطب بخش جدانشدنی از هر رسانه‌ای است، وقتی پایداری‌چی‌ها برای رسانه تصمیم بگیرند این بخش می‌تواند حذف شود. گویا مدیران صداوسیما الگوی حکمرانی پدران معنوی جبهه پایداری را در رسانه به کار می‌گیرند.

دو همسان در یک شب

محمد مهدی میرباقری شامگاه ۲۲ به‌همین همزمان که سعید جلیلی در شبکه دو مشغول صحبت بود، در شبکه افق همسان طرح خود صداوسیما بود. شبکه‌ای که خود ویتترین صداوسیما «پایداریزه» شده است. از جمله اظهارات او در برنامه حمله به مفهوم توسعه بود. میرباقری با طرح این ادعا که دنیا در حال تغییر است گفت: «هر طرحی که برای کشورمان داریم باید این را بدانیم که دنیا در حال تغییر است و طرح ما هم نباید معطوف به نظام کنونی بین‌المللی باشد وگرنه دنیا برایمان تصمیم خواهد گرفت. اگر مسلمانان به خودشان نیایند، نظم نوین علیه دنیای اسلام بسننه می‌شود.» او همچنین با زیر سوال بردن مفهوم توسعه گفت: «ملت ایران در مقابل حکومت‌های اموی و عباسی تسلیم نشدند. در مقابل حمله مغول هم تسلیم نشدند، اصولاً ایرانی‌ها فریب الگوی توسعه غربی را نمی‌خورند چرا که آنچه مثلاً در قطر و ترکیه می‌بینیم، نمایشگاه توسعه است نه واقعیت توسعه. صرفاً انتقال ابزار کرده‌اند.»

آرمان و دستاور

در همان شب، سعید جلیلی پس از خبر ۲۱ همسان صداوسیما بود. او نه فقط به ناکامی در مذاکرات هسته‌ای شهرت دارد بلکه انگشت اتهام برخی مسئولین در ماه‌های گذشته به خاطر توقف پرونده‌هایی مثل FATF و کرسنت به سوی او نشانه گرفته شده است. افرادی مثل بیژن نامدار زنگنه خواستار برگزاری مناظره با او شده‌اند اما او از زیر بار آن شانه خالی می‌کند. با این حال با حضور در صداوسیما همسوی می‌توان فهمید او وقت مناظره دارد، اما علاقه به پاسخگویی به مسائلی که باب میل اش نیست، ندارد. او که از سوی مخالفان به مرد متوقف‌کننده پرونده‌های بزرگ شهرت پیدا کرده، در گفت‌وگوی خود با صداوسیما بر حرکت باشتاب برای مسائل معیشتی و رفاه تاکید کرد و گفت: «مسیر پیشرفت کشور، به ویژه در انقلابی که به حداقل‌ها کنفا نمی‌کند و در پی تحقق آرمان‌های بزرگ در زمینه معیشت و رفاه است، نیازمند حرکت باشتاب است.»

مخالفان FATF

علاوه بر این، در برنامه‌هایی که با همدف مناظره درباره موضوعات خاص برگزار می‌شود نیز شائبه مهندسی مهمانان وجود دارد. FATF از جمله این موضوعات است. حشمت‌ا...، فلاح‌پیشه، رئیس اسبق کمیسیون امنیت ملی مجلس معتقد است که این پرونده گرفتار بازی‌های سیاسی شده و صداوسیما را مثال می‌زند. وی می‌گوید: «در یکی از برنامه‌های این رسانه که ادعای آزاد بودن دارد، دو نماینده مجلس به‌عنوان موافق و مخالف FATF دعوت شده و به اظهار نظر در آن می‌پردازند. در حالی که نماینده موافق، در برخی موارد اطلاعات کمتر و ناقصی داشت و فرد مخالف نیز در برخی موارد اصل واقعیت‌ها را نمی‌گفت. فرد مخالف واقعیت مدعی بود که حق شرط‌هایی که ایران در دو کنوانسیون پارلمو و CFT گذاشته، از سوی FATF پذیرفته نشده است.»

ریزش مخاطب

چندی پیش رئیس پیمان جلیلی رئیس صداوسیما در اظهاراتی به ۱۷ سال‌شیب نزولی مخاطبان این رسانه اعتراف کرد. البته این را افزود که این شیب اکنون افقی شده است. معنای این حرف می‌تواند آن باشد که صداوسیما دیگر بیش از این نمی‌تواند مخاطبان خود را فراری دهد، گویا بودجه عمومی که به این سازمان اختصاص پیدا می‌کند فقط با هدف نگه داشتن مخاطبان باقی مانده آن است.